



پایان دادن به یک انحطاط تاریخی طولانی

انقلاب به‌یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدّت تحقیر شده‌و به شدّت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم‌نگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است، در کانون مدیریتّت کشور وارد کرد؛ آن‌گاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وار د عرصه مدیریتّت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.

تاریخ معاصر

روایت اخبار مشروطه به سبک «خراسان»

رودسری – گردانندگان روزنامه خراسان طی بهار سال ۱۲۸۸ ه‍.ش، در پی نجات مشروطیت و ضربه‌زدن به حکومت مستبدانه محمدعلی شاه بودند و در این مسیر، هر چه را در توان داشتند، رومی کردند. شمار‌های نخست این جریده، تماماً به درج تلگراف‌هایی اختصاص دارد که مشروطه‌خواهان شهرها و ولایات مختلف خراسان، برای انجمن ولایتی این ایالت و برعکس، ارسال کرده‌اند. نخستین یادداشت مطول این روزنامه، در شماره نخست‌آن، بابتیر «خراسان»، به‌شرح وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور، پس از واقعه به توپ بستن دارالشوری یا همان واقعه معروف «یوم التوپ»، اختصاص یافته است. افزون بر این، از شماره دوم به بعد، با درج اخبار مربوط به تحرکات مشروطه‌خواهان در خراسان و به ویژه تقابل آن‌ها با «نیرالدوله»، حاکم جدید ایالت و ممانعت از ورود وی به مشهد، سعی شده است اقدامات موافقان مشروطه، به‌نحو مؤثری برای عامه‌بزرگ‌نمایی شود.

■ **از نشر پرتکلف تا نشر ساده**

عام بودن مخاطبان روزنامه باعث می‌شود که همواره روزنامه‌نگاران به اصل ساده‌نویسی توجه داشته باشند؛ چرا که نگارش مقالات سنگین، با نشر پرتکلف، فهم آن‌ها را برای عامه، سخت و دشوار می‌کند. نویسندگان خراسان عصر مشروطیت، نگارش یادداشت و مقاله را با نثری سنگین و پر تکلف آغاز کردند. نخستین مقاله از این قبیل که در شماره ۵ روزنامه منتشر شد، تئتری طولانی با نثری سخت و مشکل داشت: «برهان قاطع دروجوب تقویت اساس مشروطیت و حرمت مخالفت بر اساس نگارش یکی از اعظم مجتهدین». بدیهی بود که چنین رویکردی، نمی‌توانست خواست و هدف گردانندگان روزنامه را تأمین کند. به همین دلیل، نویسندگان برای چند شماره، انتشار دوباره مقاله را متوقف کردند و نهایتاً در شماره هشتم روزنامه، مقاله‌ای را به طبع رساندند که به لحاظ نگارش و نثر، ساده، روان و بسیار قابل فهم‌تر بود؛ مقاله‌ای با عنوان «بشیرین زبانی و لطف خوشی/توانی که بیلی بموتی کشی». در واقع از این شماره به بعد، شاهد تحولی در نگارش نثر معدود مقالات خراسان هستیم که به نظر می‌رسد بیشتر آن‌ها، حاصل کار قلمی سیدحسین اردبیلی باشد. پرداختن به مقوله ادبیات و شعر در جریده خراسان عصر مشروطه، با ایجاد ستونی در صفحه چهارم این روزنامه، با عنوان «ادبیات» آغاز شد و نخستین شعری که به چاپ رسید، «نارنجک» نام داشت: «خراسان را بلند آوازه گرد آوای نارنجک / بنارزم بانگ بمب و سلطوت غوغای نارنجک». این قصیده نسبتاً طولانی که ظاهراً حاصل طبع سیدحسین اردبیلی است، هنگامی سروده‌شد که به دلیل تمایل و خواست سه برادر، به نام‌های حاجی معین، حاجی معاون و حاج عبدالرحیم صراف، مردم باوردنیرالدوله به عنوان والی خراسان به مشهد، مخالفت می‌کردند و به همین دلیل، شیئی چند ناشناس، با انداختن نارنجکی در منزل اقتدارالملک پسر خواهرنیرالدوله، بلوا به پا کردند. توجه به شعر در روزنامه خراسان، با چاپ آثاری از ملک الشعرای بهار، تداوم یافت و در واقع، به اوج خود رسید.

تاریخ

اثری برای آشنایی با «تاریخ مطبوعات ایران»

در ۱۱۰ سال از سالروز تولد قدیمی‌ترین روزنامه در حال انتشار کشور گذشت

۱۱۰ سال از سالروز تولد قدیمی‌ترین روزنامه در حال انتشار کشور گذشت

ورود «روزنامه خراسان» به ۱۱۱ سالگی

جواد نوائیان رودسری – ۲۷ اسفند ماه سال ۱۲۸۷، درست ۱۱۰ سال پیش، چشم مردم مشهد، به جمال جریده معظم «خراسان» روشن شد؛ جریده‌ای که قرار بود هفته‌ای دوبار، آن‌هم به صورت مخفیانه، به همت میر مرتضی موسوی، در دار الطباعه طوس با لایحایان منتشر شود و محلی باشد برای انتشار اخبار و اخلاق آزادی خواهی در عصر اختناق محمدعلی شاهی. این که چرا سید حسین اردبیلی، مؤسس جریده، نام «خراسان»

را برای آن برگزید، به تحقیق معلوم نیست؛ اما می‌دانیم که خراسان، از همان روز نخست، فریادگر صدای فرو خفته ملت‌ی بود که از بیداد استبداد به جان آمده بودند. «خراسان» نور امید را در دل مردم روشن نگه می‌داشت که بخت، به امید خدا، بیدار است و زوال استبداد صغیر نز دیک، قلم تند و تیز سید حسین اردبیلی و اشعار نغز ملک الشعرای بهار، خراسان را به یکی از جراید پر طرفدار مشهد در آن دوره تبدیل کرد. با چاپ شعر مستزاد «کار ایران با

خداست»، اثر بهار، خراسان آتشی در شمال شرق کشور به پا کرد. این شعر که در بهار سال ۱۲۸۸، در شماره هفتم خراسان به چاپ رسید، حاوی پیش بینی‌هایی بود که بعدها در میان آزادی خواهان مشهور شد و ادوار د براون، شرق شناس معروف انگلیسی نیز، در کتاب «انقلاب مشروطیت ایران»، آن را یکی از اشعار بسیار تأثیر گذار در جنبش مشروطه دوم دانسته است. خراسان پس از انتشار ۲۴ شماره، جای خود را به طوس داد؛ روزنامه‌ای اختناق، «چاپخانه خراسان» نامیده شد.

فاخر که برخی از دست‌اندر کاران آن، مانند شیخ احمد بهار، پیشتر در خراسان نیز قلم زده بودند. اما طوس را نیز، دوامی نبود و پس از پایان دوره دوم مشروطه، اواسط دهه ۱۲۹۰ خورشیدی، شیخ احمد بهار و دوستانش، نوبهار را که میراث‌دار روزنامه‌نگاری ملک‌الشعرا در خراسان طوس بود، راه‌اندازی کردند و در کنار آن، چاپخانه‌ای ساختند که به یاد ستاره پر فروغ و امیدبخش در تاریکی عصر اختناق، «چاپخانه خراسان» نامیده شد.

کتاب «تاریخ مطبوعات ایران»، اثر سیدفریدقاسمی، را الهه‌کننده سیری مختصر و مفید از تاریخ پر فراز و نشیب مطبوعات ایران، از هنگام شکل‌گیری در عصر قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی است. «سراغاز»، «روزگار ناصری»، «عهد مظفری»، «دوده پایی قاجار»، «ایام پهلوی اول»، «زمانه پهلوی دوم»، «دوره انقلاب» و «مطالعه بیشتر»، ۹ فصل این کتاب را تشکیل می‌دهد. «پیشینه مطبوعات جهان» به قلم دکتر یونس شکرخواه نیز، ضمیمه این کتاب خواندنی است.



مفاخر فرهنگی

بنیان‌گذار چاپخانه «خراسان» شیخ احمد بهار



شیخ احمد تهرانیان، معروف به شیخ احمد بهار، در سال ۱۲۶۸ ه‍.ش در مشهد به دنیا آمد. او فرزند محمد کاظم تهرانیان و پسر دایبی ملک‌الشعرا بهار بود و اصلاً، انتخاب نام بهار از سوی شیخ احمد، برای نام‌خانوادگی‌اش، به دلیل قرابت فامیلی و علاقه‌ای بود که به ملک‌الشعرا داشت. طبق گزارش‌های موجود، شیخ احمد، با سیدحسین اردبیلی و ملک‌الشعرا، در تهیه مطالب روزنامه خراسان همکاری می‌کرده است. شیخ احمد در روزنامه‌های محلی و ملی نیز، مطالبی منتشر می‌کرد. او تحصیلات علوم دینی را در مشهد، کربلا و نجف طی کرده و به کار تجارت مشغول بود؛ اما به مشروطیت و آرمان‌های آن، علاقه فراوانی داشت. وی پس از تعطیلی جریده «خراسان»، به همکاری با جریده «طوس» پرداخت. هر چند در این باره، سندی قاطع وجود ندارد اما به نظر می‌رسد با توجه به این که چاپخانه طوس، مقر فعالیت‌های مطبوعاتی نویسندگان «خراسان» محسوب می‌شد، احتمالاً افزون بر شیخ احمد بهار، سایر دست‌اندر کاران جریده خراسان نیز به فعالیت مطبوعاتی خود در طوس ادامه داده باشند. به هر حال، چندی بعد، شیخ احمد بهار چاپخانه طوس را خریداری کرد و مقارن همین زمان، خود به فکر تأسیس نشریه افتاد؛ ایده‌ای که سرانجام آن را در سال ۱۲۹۶ ه‍.ش، ۱۹۱۷ میلادی، عملی کرد و روزنامه‌ای با عنوان «بهار» را به زیر طبع آراست. مخالفت شیخ احمد بهار با قرار داد ۱۹۱۹، باعث شد که قوام السلطنه، والی وقت خراسان، جریده شیخ احمد را توقیف و او را پس از ۴۵ روز حبس انفرادی، در کاروانسرای هندی‌های مشهد، به تهران تبعید کند اما شیخ احمد، مدتی بعد، با وساطت دوستانش به مشهد بازگشت و کار طبع جریده بهار را از سر گرفت. فعالیت مطبوعاتی شیخ احمد بهار، تا سال ۱۳۱۴ ه‍.ش، تقریباً بدون وقفه ادامه پیدا کرد. این امر، افزون بر رویکرد توأم با حزم و احتیاط او، ریشه در توانمندی‌های فنی‌وی نیز داشت. شیخ احمد مالک چاپخانه طوس بود؛ چاپخانه‌ای که بعدها نام خود را به چاپخانه «خراسان» تغییر داد.

■ **چاپخانه طوس یا خراسان؟**

زندیهاد ابراهیم توسلی، یکی از قدیمی‌ترین کارکنان چاپخانه خراسان که در سال ۱۳۱۸ ه‍.ش به استخدام آن در آمد و بعدها در کسوت مدیریت چاپخانه، فعالیت خود را ادامه داد، در خاطراتش که توسط دفتر پژوهش روزنامه خراسان ثبت و ضبط شده است، تأکید می‌کند که تأسیس چاپخانه خراسان، از سوی شیخ احمد بهار، در سال‌های دهه ۱۲۹۰ ه‍.ش انجام شد و او در سال ۱۳۱۵، این چاپخانه را به پسر عمویش، تهرانیان و نیز ابراهیم فیروزیان فروخت و آن‌ها با نام «خراسان» برای چاپخانه مجوز فعالیت گرفتند. حافظه تاریخی ابراهیم توسلی، سال‌وگذاری چاپخانه را به برادران تهرانیان و ابراهیم فیروزیان، ۱۳۱۵ ه‍.ش حفظ کرده است. این تاریخ، البته باید دقیق باشد چرا که شیخ احمد بهار، پس از واقعه مسجد گوهرشاد، در تیرماه سال ۱۳۱۴، با منع فعالیت از طرف دستگاه رضاخانی روبه‌رو شد. او را در ۱۴ مرداد ۱۳۱۴، در نظمیه مشهد بازداشت کردند و به فعالیت روزنامه وی خاتمه دادند. مدتی بعد، در شهریور ماه همان سال، برادر شیخ احمد بهار، طی نامه‌ای به علی‌اصغر حکمت، وزیر معارف وقت، خواستار آزادی وی شد. شیخ احمد بهار را آزاد کردند اما اجازه انتشار روزنامه «بهار» را ندادند. او به ناچار برای همیشه مشهد را ترک کرد و راهی تهران شد. شیخ احمد بهار در دوران ملی شدن صنعت نفت، بر فعالیت‌های سیاسی خود افزود. او در ۱۷ مرداد ۱۳۳۱، یک سال پیش از کودتای ۲۸ مرداد، با حکم دکتر محمد مصدق، به عنوان رئیس دفتر نخست‌وزیر منصوب شد. شیخ احمد بهار در ۱۴ بهمن ۱۳۳۶ درگذشت؛ او را در «ابن بابویه» به خاک سپردند.

خراسان

اگرچه پس از وقایع غیرمنتظرهٔ (۲۳ ج ۱ - ۱۳۲۶)

که از اعظم مصائب تاریخی ایران و ثانی‌الثنین فتنه جنگیزی بشمار میرود آن احساسات حریت جو یانه که از تمام نقاط

ایران بایک جوش غیرت سرشار اسباب حیرت و تماعای

عالیمان گردیده بود موقتاً بیک سکوت و آرامی طبیعی

مبدل شد ولی بموجب همان برهان قاطع حسی و وجدانی

که فلسفه تاریخ ملل دنیا بروشنی آفتاب واضح و آشکار

نموده (که مقاومت قوه استبداد در مقابل هیجان یک

ملت آزادی خواه محال عقل است) بتدریج ناپرم غیرت

ملیه که در گانون سینه‌ها حبس و فقط دود آن بواسطه فشار

برده‌های نازک استبداد مستور بود از همه جا شعله ور شده

اول (آذر بابیجان) آذربجان استبداد افکنده سپس

(لارستان) بعد (استرآباد) قدرت ملیه را آشکار

ساخته پس از آن (اصفهان) بیرق استبداد را خوابالیده

بعد (گیلان) و (مازندران) لوای حریت را بلند

کردند بخت یاریها دامنه نفوذ و استیلاء خود را تا (یزد)

و (کاشان و قم) وسعت داده مجاهدین (رشت)

بیرق مشروطیت را در (قزوین) کوبیدند حجة الاسلام

حاجی سید عبدالحسین لاری پس از اجرای قوانین

مشروطیت در (بندر خلیج و (محلات سبعة فارس)

باسی هزار سوار جرار دور (شیراز) را محصور

ساخت در این موقع ملت (خراسان) نیز که تا کنون

بواسطه محضورات و موانعی چند مانند غنچه باخون دل

خواموش در عین هیجان آرام و در منتهای جوش و خروش

ساکت بودند نا عزمی راسخ در استرداد حقوق ملیه

و اجرای احکام واجب‌الاطاعه حجج اسلام با سایر برادران

دینی و وطنی هم آواز گردیدند نهالی خراسان تا کنون

چندین دعه بطور آرامی و مقبولیت در پیشرفت مقاصد

ملیه اقدام نموده بالاخره بعد از وقایع ۲۳ شعبان

و اتفاقات نیمه اول ذیقعد تجربه ملتفت شدند که

مخالعین این مقصود مقدس بدون یک اقدام قهری در مساعدت

مستدعیات ملت حاضر نخواهند بود از یکطرف و هم

نظر با اهمیت موقع سرحدی و بملاحظه حیثیت مرکزیه

ارض اقدس که نقطه عزیمت واجتماع نفوس متنوعه

مسلمانان داخله و خارجه است بطوریکه متجاوز از دو

ثلاث سکنه این شهر از مسلمانان قفقاز و ترکستان و افغانستان

و نقاط مختلفه ایران تشکیل یافته طبقات عالیّه ملت خراسان

اقدامات قهریه را مناسب نمیدیدند - بالاخره مجاهدین

خراسان که بواسطه تأخیر در اجرای احکام حجج

اسلام از سایر برادران دینی حرمان بودند پیمانۀ صبرشان

ارخون دل لبریز گردیده در اجرای مقاصد ملیه باستعمال